

تحلیل علمی و متافیزیکی تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها با نگاهی به مبانی هستی‌شناختی



علی قدردان قراملکی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2025.30456.1134

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲



چکیده

دعا، عبادتی است که در متون دینی ذکر شده و خداوند، استجاب آن را بر عهده گرفته است. با این وجود، رابطه میان دعا و استجاب آن ممکن است در نگاه اول چندان واضح نباشد و شک و تردید در اثرگذاری دعا به وجود آورد. بنابراین، بررسی دقیق ارتباط تکوینی میان دعا و تحقق خواسته‌ها ضروری است. این پژوهش، با تمرکز بر مبانی هستی‌شناختی، به تحلیل این ارتباط می‌پردازد و سعی دارد با تبیین ارتباط میان دعا و تحقق خواسته‌ها به پرسش‌ها و شبهات موجود پاسخ دهد. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با روش‌های علمی، عقلی و نقلی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها را می‌توان از دو منظر علمی و متافیزیکی بررسی کرد. از دیدگاه علمی، تأثیرات روان‌شناختی دعا نشان می‌دهد که این عمل موجب بروز عواطف مثبت، آرامش و احساس امنیت روانی در فرد می‌شود و درعین حال به‌عنوان عاملی انگیزشی در دستیابی به خواسته‌ها عمل می‌کند. از منظر متافیزیکی، دعا به‌عنوان پیوندی میان انسان و عالم غیب شناخته می‌شود که با استفاده از عوامل فراطبیعی، زمینه‌ساز تحقق خواسته‌ها می‌گردد. عوامل متافیزیکی مانند ارتقاء وجودی نفس، صورت باطنی دعا و اراده الهی، به تحقق خواسته‌ها کمک می‌کنند. در نتیجه، با توجه به تحلیل‌های علمی و متافیزیکی، روشن می‌شود که دعا دارای تأثیر در تحقق خواسته‌ها است و خداوند نیز بر استجاب دعا تأکید می‌ورزد.

کلیدواژه‌ها: تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها، تحلیل علمی دعا، تحلیل متافیزیکی دعا، مبانی هستی‌شناختی، صورت باطنی دعا.

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، ایران. a.ghadrdan@tabrizu.ac.ir

۱. مقدمه

مقاله حاضر تحت عنوان «تحلیل علمی و متافیزیکی تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها با نگاهی به مبانی هستی‌شناسی» به بررسی یکی از اصول بنیادین و اساسی در ادیان آسمانی، به‌ویژه دین اسلام، می‌پردازد که آن همان دعا و تأثیرات آن بر تحقق خواسته‌های انسانی است. دعا نه تنها به‌عنوان یک عمل عبادی، بلکه به‌عنوان ابزاری معنوی و روان‌شناختی، نقشی پررنگ در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کند. در آموزه‌های دینی، به‌ویژه در قرآن کریم، بر مستجاب شدن برخی دعاها و تأثیرات آن در زندگی بشر تأکید فراوانی شده است. (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۶۷؛ مجلسی، ۱۹۸۲: ۳۸۳/ ۹۰) به موجب آیات الهی، پروردگار متعال بندگان را به دعا و درخواست از خویش فرا خوانده و خود را به‌عنوان پاسخ‌گو به این درخواست‌ها معرفی می‌نماید: (وَ قَالَ رَبُّكُمْ اِذْ عُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ) (غافر/ ۶۰) همچنین، برخی از آیات دارای لحن تهدیدآمیز هستند که بیان می‌دارند اگر دعاها را مردم وجود نمی‌داشت، خداوند به آنان توجهی نمی‌کرد. در این راستا، آیه (قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ) (فرقان/ ۷۷) به‌خوبی دلالت بر این دارد که دعا دارای تأثیر است و سبب جلب رضایت پروردگار می‌شود.

بالین‌حال، سازوکار و کیفیت این تأثیر در حاشیه قرار داشته و علل روان‌شناختی، اجتماعی و متافیزیکی آن به‌روشنی تبیین نشده است. این وضعیت، ما را با چالش‌هایی مواجه کرده که در برخی موارد، منجر به تمسخر این آموزه و در نظر گرفتن دعا به‌عنوان یک عمل خرافی شده است. بنابراین، ضروری است تا با بهره‌گیری از دو رویکرد، یکی تحلیل علمی و طبیعی و دیگری متافیزیکی و فراطبیعی، به بررسی و تحلیل ارتباط دعا و تأثیر آن بر تحقق خواسته‌ها پرداخته و تلاش شود تا با تبیین دقیق مسئله به شبهات و ابهاماتی که مخالفان این آموزه مطرح کرده‌اند، پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه گردد.

هدف نهایی این پژوهش، کشف و تبیین صحیح این ارتباط است تا نه تنها درک عمیق‌تری از اهمیت دعا به‌دست آید، بلکه بتوانیم شواهد قوی برای اثبات برحق بودن این آموزه از منظر علمی و متافیزیکی ارائه دهیم. با توجه به برقراری قانون علیت در عالم هستی، فهم ارتباط میان دعا و تحقق خواسته‌ها تنها با بهره‌گیری از شناخت صحیح و عمیق از عالم هستی و ابعاد گوناگون آن امکان‌پذیر است. ازاین‌رو، در این تحقیق تأثیر دعا با رویکردی مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به‌منظور دستیابی به این هدف، در این پژوهش نظری مسئله‌محور، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل جامع منابع علمی، دینی و فلسفی، به بررسی علمی و منطقی این موضوع پرداخته شده است. گفتنی



است نویسنده در مبحث تحلیل علمی تأثیر دعا در کنار منابع مطالعاتی، از هوش مصنوعی «سایدر»^۱ نیز استفاده کرده است. همچنین، تلاش شده است تا یافته‌های پیشین در این زمینه تکمیل و توسعه یابد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

مقاله حاضر به تحلیل علمی و متافیزیکی تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها با نگاهی به مبانی هستی‌شناسی می‌پردازد. پس از بررسی دقیق منابع موجود، مشخص گردید که نوشتاری مستقل و جامع در این زمینه یافت نمی‌شود و در نتیجه، مسئله مورد اشاره، به‌طور خاص فاقد پیشینه معتبر است. با این حال، با توجه به عنایت ویژه متون دینی به مسئله دعا و نیز اهتمام روان‌شناسان به این مفهوم، آثار متعددی در این زمینه نگارش شده است که به ابعاد مختلف دعا پرداخته‌اند؛ ولی این آثار به‌طور جامع به مسئله پژوهش حاضر نپرداخته‌اند. در ادامه، به برخی از این آثار که به‌عنوان پیشینه عمومی تحقیق محسوب می‌شوند، اشاره خواهد شد.

الف. مقاله «رابطه استجاب دعا و معجزه با نظام علیت از نظر شارحان حکمت متعالیه» (۱۳۹۳) به قلم فاطمه رأفتی و حسن ابراهیمی، در دو فصل‌نامه فلسفه تحلیلی، شماره ۲۵، بهار و تابستان منتشر شده است. در این مقاله، همان‌طور که از عنوان آن مشخص است، نویسندگان در تلاشند تا عدم تضاد استجاب دعا با نظام علیت را تبیین کنند. رویکرد این تحقیق بر ناشناخته بودن علل استجاب دعا مبتنی است و به‌طور کلی، همان‌گونه که معجزه با اصل علیت در تضاد نیست، دعا نیز در تعارض با این اصل تلقی نشده است. با این حال، نوشتار پیش‌رو به بررسی علل علمی و متافیزیکی می‌پردازد که پس از دعا، منجر به تحقق خواسته‌ها می‌شود و به تعبیری به کشف دقیق این نظام علّی می‌پردازد.

ب. مقاله «تأثیر دعا در نظام آفرینش از منظر سه فیلسوف (ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبائی)» (۱۳۹۳) نوشته علی محمد ساجدی و فاطمه زارع، منتشر شده در فصل‌نامه اندیشه دینی، شماره ۵۳، زمستان. در این تحقیق، نویسندگان به بررسی ارتباط دعا با موضوعات کلیدی نظیر قضا و قدر، نظام علیت، علم و اراده الهی و نقش دعا در تأثیرگذاری بر خدا از منظر سه فیلسوف پرداخته‌اند. در بخشی از این تحقیق، به مسئله ارتباط دعا و نظام علیت اشاره شده است؛ اما در مورد کیفیت و چگونگی تأثیر دعا به‌ویژه در ابعاد طبیعی و فراطبیعی آن، به‌طور جزئی ورود نکرده است. این در حالی است که تحقیق حاضر در پی ارائه تبیینی دقیق و جزئی از این مسئله می‌باشد.

1. Sider.

ج. مقاله «مسئله دعا در اندیشه ابن عربی و ملاصدرا» (۱۳۹۲) به قلم علی ارشد ریاحی و فاطمه زارع، انتشار یافته در دو فصلنامه پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۲۵، پاییز و زمستان. این مقاله دعا را به‌طور کلی از دیدگاه دو متفکر مورد بررسی قرار داده و به مسائلی از قبیل اهمیت دعا، شرایط استجابات دعا و موارد مشابه پرداخته است. همچنین، در این تحقیق به تحلیل علمی و متافیزیکی تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها اشاره نشده است.

د. مقاله «تأثیر مبانی هستی‌شناسی صدرا در تبیین مسئله دعا» (۱۳۹۷) به قلم مروه دولت‌آبادی و عین‌الله خادمی و محمد اسماعیل قاسمی طوسی، منتشر شده در فصلنامه تأملات فلسفی، شماره ۲۱، زمستان. این پژوهش به بررسی نقش مبانی هستی‌شناسی حکمت متعالیه در تبیین مسئله دعا پرداخته است. با توجه به موضوع تحقیق، بخش عمده‌ای از آن به مبانی مرتبط مانند اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری و... و تأثیر آن‌ها در دعا اختصاص یافته است؛ ولی هدف آن تحلیل کیفیت تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها و استجابات دعا نیست. درحالی‌که هدف اصلی این تحقیق، تبیین دقیق همین مسئله است.

هـ. مقاله «فرایند و مکانیزم تأثیر دعا بر کاهش اضطراب و افسردگی» (۱۴۰۱) نوشته محمدجواد ولی‌زاده، انتشار یافته در دو فصلنامه دعاپژوهی، شماره ۳، زمستان. این مقاله فقط به بررسی ارتباط دعا با کاهش اضطراب و افسردگی از دیدگاه علمی و عوامل طبیعی می‌پردازد و به رابطه دعا با دیگر آثار آن و تحلیل متافیزیکی این مسئله نپرداخته است.

و. مقالاتی نظیر «نقش ذکر و دعا در سلامتی از منظر آیات و روایات» (۱۳۹۸) نوشته فاطمه حسین‌زاده فرد و رسول محمد جعفری، منتشر شده در فصلنامه قرآن و طب، شماره ۵، زمستان، «بررسی تأثیر دعا بر سلامت معنوی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن قلبی» (۱۳۹۷) به قلم رضا بردبار، انتشار یافته در دو فصلنامه دین و سلامت، شماره ۱۰، بهار و تابستان و «اثر مثبت‌اندیشی و دعا بر اضطراب و افسردگی جوانان ۱۷ تا ۱۹ ساله» (۱۳۹۵) نوشته معصومه فلاحی و الهه اسدی، منتشر شده در فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، شماره ۶۵، پاییز، که به ابعاد روان‌شناختی و تأثیرات مطلوب دعا در تقویت روحیه می‌پردازند؛ اما اساساً در مقام تحلیل متافیزیکی تأثیر دعا و توجه به مبانی هستی‌شناختی نیستند.

براین‌اساس، خلأ پژوهشی که به‌طور خاص به مسئله کیفیت تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها پرداخته باشد، احساس می‌شود. ازاین‌رو، قصد داریم در این تحقیق به این مسئله مهم و کلیدی پردازیم و با



بهره‌گیری از آثار پیشینیان و اتکا به مبانی هستی‌شناختی، به تبیین و تحلیل مسئله و توسعه تحقیقات گذشته اقدام کنیم.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت و اهمیت این پژوهش به‌عنوان یک تحقیق علمی و متافیزیکی در زمینه دعا و تأثیرات آن بر تحقق خواسته‌ها، مستلزم توجه ویژه به ابعاد مختلف این موضوع است. در دنیای امروز که بسیاری از آموزه‌های دینی در معرض انتقادات و تردیدهای جدی قرار دارند، تحلیل علمی و فلسفی مقوله دعا می‌تواند به تبیین و تضمین جایگاه آن در نظام هستی‌شناسی کمک کند. با توجه به تأکید متون دینی به دعا و استجابات آن و اعتقادات عمیق انسان‌ها نسبت به دعا و تأثیرات معنوی آن، پژوهش حاضر می‌تواند به رفع تردیدهای موجود درباره تأثیر دعا بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بپردازد. در واقع، این تحقیق به دنبال استحکام باورها و اعتقادات دینی از طریق ارائه شواهد علمی و منطقی است که ضرورت آن در عصر حاضر که مبانی معنوی و روحانی روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شوند، بیش از پیش احساس می‌شود.

از سوی دیگر، با نظر به غنای آموزه‌های دینی و معنوی موجود در اسلام، پژوهش بر روی دعا به‌عنوان یک عمل عبادی با پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی می‌تواند ابعاد جدیدی از شناخت انسان و رابطه‌اش با پروردگار را آشکار سازد. از آن‌جا که دعا همواره به‌عنوان یک ابزار برای ارتباط با خداوند و جلب رحمت و توجه او شناخته شده است، تحلیل علمی تأثیرات دعا بر تحقق خواسته‌ها، می‌تواند به تقویت نور معنویت در جوامع مختلف کمک کند.

۲. مبانی هستی‌شناختی

برای تحلیل و تبیین تأثیر دعا بر خواسته‌ها، ضروری است که به مبانی هستی‌شناختی این مسئله توجه ویژه‌ای شود. این نوع رویکرد نه تنها امکان بررسی ابعاد مختلف دعا را از منظر فلسفی و وجودی می‌دهد، بلکه می‌تواند به درک عمیق‌تری از جنبه‌های تکوینی این مسئله رهنمون سازد. به این ترتیب، با بررسی مفاهیم بنیادین هستی‌شناسی، می‌توان فهمید که چگونه دعا می‌تواند بر زندگی انسان و خواسته‌هایش تأثیرگذار باشد.

۲-۱. مراتب هستی؛ از عالم ماده تا عوالم متافیزیک

با توجه به ابعاد نظر در متون فلسفی و کلامی، بدیهی است که عالم ماده، که به‌عنوان «عالم ناسوت» شناخته می‌شود، صرفاً یک بخش از کل هستی است و نمی‌تواند به‌تنهایی تمام واقعیت‌ها و مظاهر

هستی را توضیح دهد. باورهای مادی گرایانه و ماتریالیستی که وجود تمامیت هستی را منحصر به عالم ماده می‌دانند، در برابر دلایل فلسفی و منطقی موجود، توجیه‌پذیر نخواهد بود (مطهری، ۱۳۹۴: ۱/ ۵۷۴).

وجود یک خالق و مدبر آسمانی که در «عالم لاهوت» قرار دارد، از زوایای مختلف قابل اثبات است. این وجود با استفاده از استدلال‌ات عقلی و فلسفی، به‌عنوان بنیاد تمام موجودات معرفی می‌گردد (حلی، ۲۰۰۳: ۷-۸). در این راستا، اصولی چون سنخیت میان علت و معلول و قاعده‌الواحد به‌روشنی نشان‌دهنده این حقیقت است که صدور عالم ناسوت به‌صورت مستقیم از عالم لاهوت ناگزیر به مواجهه با چالش‌های فلسفی جدی است، به همین دلیل، حکما به وجود «عالم جبروت» یا «عالم عقل» به‌عنوان رابط بین دو عالم ناسوت و لاهوت اعتقاد دارند (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۶۶۰؛ طوسی، ۱۹۹۶: ۳/ ۶۸۴). افزون بر این، برخی از حکما، به‌ویژه حکمای متأله، با اتکا به اصل امکان اشرف و بررسی قوای خیالی و روحانی انسان، به وجود «عالم ملکوت» یا «عالم مثال» به‌عنوان عالمی برتر از ماده و فرود از عقل اعتقاد دارند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۱/ ۳۰۰؛ جوادی‌آملی، ۲۰۰۴: ۸۴). از نظر این گروه، دو عالم عقل و مثال، عوالمی غیرمادی و مجرد هستند، حال آن‌که عالم ماده به‌عنوان عرصه‌ای محسوس و مادی به حساب می‌آید (طباطبائی، ۲۰۰۱: ۳۷۹).

۲-۲. وجود ساحت معنوی در موجودات مادی

با توجه به آیات قرآن کریم (مؤمنون / ۸۸؛ یس / ۸۳؛ اعراف / ۱۸۵) و همچنین روایات معتبر (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۹۸۲: ۴/ ۳۲) این نکته استنباط می‌شود که تمامی موجودات طبیعی و مادی که در قالب عالم ناسوت تعریف می‌شوند، صرفاً از ابعاد مادی و ظاهری برخوردار نیستند، بلکه هر یک از آن‌ها واجد جنبه‌های معنوی و باطنی نیز می‌باشند. بدین ترتیب، افعال انسانی و پدیده‌های ملموس این دنیا که از مصادیق عالم ناسوت به حساب می‌آیند، دارای ساحت‌های ملکوتی و باطنی نیز هستند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱/ ۱۶۰).

همچنین در برخی آیات (انعام / ۷۵) و روایات (برقی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۸۸) توصیفات متنوعی از مشاهده و رؤیت این ساحت ملکوتی مشاهده می‌شود. با توجه به این نکته در می‌یابیم که این ساحت باطنی، از سویی با ساحت ظاهری متفاوت است و همانند او مادی نیست و از سوی دیگر به سبب توصیف به مشاهده و رؤیت از تجرد تام و عقلی برخوردار نیست؛ از این‌رو، این صورت باطنی می‌تواند تجردی غیرتام و مثالی را دارا باشد و از مصادیق عالم ملکوت محسوب شود (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۶/ ۴ و ۴۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۸/ ۱۵۷؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۹۱).



۳-۲. قاعده الواحد

قاعده الواحد به عنوان یکی از اصول بنیادین هستی‌شناسی، مفهوم واحد بودن نخستین فعل الهی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر اهمیت سنخیت میان علت و معلول تأکید می‌ورزد. طبق این قاعده، برای هر معلول، وجود یک ویژگی خاص در ذات علت ضروری است و این ویژگی موجب پیدایش معلول می‌شود؛ زیرا سایه هر چیزی به خود آن چیز وابسته است و امکان ندارد سایه یک چیز از چیز دیگری ایجاد شود. به همین دلیل، سایه یک شیء واحد باید همواره یکتا باشد (خمینی، ۱۳۸۵: ۱/۳۳۵).

از آن‌جا که خداوند به عنوان موجودی بسیط و واحد، از هرگونه کثرت و تعدد در ذات خود عاری است و همچنین دارای کمال مطلق و بدون هرگونه کاستی است، می‌توان انتظار داشت که نخستین فعل او نیز از همین حالت کمالی و جامع برخوردار باشد (طوسی، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۶۸۴؛ طباطبایی، ۲۰۰۱، ص ۲۱۴-۲۱۵). بنابراین، خدا که منشأ هستی است و از تمامی جهات بسیط است، فعل او نیز که نخستین مخلوق است بسیط می‌باشد و به آن عقل اول گفته می‌شود (خمینی، ۱۳۸۵: ۱/۳۳۶-۳۳۷).

گفتنی است، پذیرش قاعده الواحد نباید به عنوان نفی قدرت مطلق الهی و عدم تعلق قدرت به موجودات دارای نقایص در نظر گرفته شود؛ زیرا فلاسفه اسلامی به روشنی تأکید کرده‌اند که قاعده الواحد و اعتقاد به اطلاق قدرت خداوند نه تنها متناقض نیستند، بلکه در حقیقت دو جنبه مهم از حقیقت وجودی خداوند را نمایان می‌سازند و بیانگر این نکته است که خداوند در عین واحد بودن، علت هستی‌بخش تمام مخلوقات و محیط بر تمام آن‌هاست (طباطبایی، ۲۰۰۱: ۲۱۵).

۴-۲. تجسم اعمال

مسئله تجسم اعمال به طور عمیق‌تری از تفکیک ظواهر مادی و باطن غیرمادی در افعال انسانی حکایت دارد. مبنای «وجود ساحت معنوی در موجودات مادی» حاکی از آن است که اشیاء و امور مادی در کنار صورت ظاهری و طبیعی، دارای صورت باطنی و غیرمادی نیز می‌باشند. بنابراین، افعال انسانی نظیر دعا که به صورت ظاهری و مادی جلوه‌گر می‌شوند (مانند بلند کردن دست‌ها و بیان خواسته‌ها از خداوند) دارای صورت باطنی نیز هستند.

این صورت باطنی اعمال انسانی، معلول نفس بوده و بروز آن در قلمرو نفس انسان آشکار می‌گردد. به این معنا که با انجام فعل پسندیده و مطلوب، صورت باطنی مربوط به آن عمل در درون نفس شکل می‌گیرد و سبب پیشرفت و پرورش وجود انسان می‌شود. بنابراین، این صورت باطنی از ذات نفس خارج

نیست و پدیده‌ای مغایر با آن محسوب نمی‌شود، به‌طوری‌که نفس و صورت باطنی حرکتی متقابل به سوی یکدیگر دارند (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱: ۹/ ۳۹۲).

براین پایه، هرچند افعال انسانی از نظر ظاهری مادی به نظر می‌رسند؛ اما در حقیقت دارای جنبه‌ای متافیزیکی نیز بوده و از این منظر تأثیری فراتر از طبیعت بر جای می‌گذارند (جوادی‌آملی، ۱۹۹۹: ۲/ ۴۷۵-۴۸۲ و ۸/ ۳۴۰-۳۴۵). به‌علاوه، اعمال انسانی همچون دعا، صرفاً به صورت افعال جوارحی جلوه نمی‌کنند، بلکه نیت و قصد انسان نیز در آن‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند. این ابعاد جوانحی سبب می‌شود که افعال انسانی دارای ساحت غیرمادی و متافیزیکی باشند که در قالب تجسم اعمال و در ظرف نفس ظاهر می‌گردند (صدرالمآلهین، ۱۳۶۰: ۱/ ۳۲۹-۳۳۰؛ خمینی، ۱۳۸۵: ۳/ ۲۳۴).

۲-۵. کیفیت وجودی نفس در بستر هستی

کیفیت وجودی نفس همواره به‌عنوان یکی از مباحث اساسی در فلسفه و کلام اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. در این زمینه، متکلمان نقل‌گرا عمدتاً به جسمانی بودن نفس اعتقاد دارند (اشعری، ۱۹۷۹: ۳۳۳-۳۳۷؛ سید مرتضی، ۱۹۹۰: ۳۳؛ مجلسی، ۱۹۸۲: ۵۸/ ۱۰۴). در مقابل، حکما و بخش قابل توجهی از متکلمان عقل‌گرا بر تجرد نفس تأکید کرده‌اند. حکمت مشاء با اتخاذ رهیافت حدوث و بقاء روحانی (ابن‌سینا، ۱۹۹۷: ۲/ ۲۳۳) و حکمت متعالیه با رویکرد حدوث جسمانی و بقاء روحانی (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱: ۳/ ۶۶؛ همان: ۹/ ۳۷۱-۳۷۲) به تبیین این مسئله پرداخته‌اند.

با توجه به دلایل متعددی که از منظر عقلانی از جمله ادراک کلیات، (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱: ۸/ ۲۸۳) علم حضوری به خود، (ابن‌سینا، ۱۳۸۴: ۳/ ۱۵۶-۱۵۷) اشتیاق به زندگی جاوید (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳: ۴/ ۵۴۱) و همچنین ادله نقلی از قبیل امر الهی بودن روح انسانی، (اسراء/ ۸۵) رجوع نفس به سوی خدا (بقره/ ۱۵۶) و خلود نفس (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۸۵) قابل استناد هستند، نگارنده به نظریه تجرد نفس با رویکردی مبتنی بر حدوث جسمانی و بقاء روحانی اعتقاد دارد.^۱ بنابراین، در پژوهش حاضر به بررسی مسائل مرتبط با نفس از این منظر پرداخته خواهد شد.

۳. تحلیل تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها

با عنایت به اهمیت و تأکید متون دینی بر دعا و مؤثر دانستن آن در برآورده شدن حاجات و خواسته‌های انسان، ضرورت پرداختن به ماهیت ارتباط میان دعا و تحقق آمال و نیز چگونگی تأثیرگذاری

۱. تمام ابعاد این دلایل در تحقیقات دیگر به‌وسیله نگارنده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است (ن. ک: قدردان قراملکی، ۲۰۱۸: ۵-۳۷؛ همو، ۲۰۱۹: ۶۹-۹۹).



آن بر عالم هستی به طور جدی احساس می شود. این پژوهش، پس از تبیین مبانی هستی شناسانه، درصدد تحلیل و بررسی دقیق مکانیزم تأثیرگذاری دعا بر تحقق خواسته ها بر خواهد آمد.

تحلیل عمیق ماهیت دعا نشان می دهد که تأثیر آن بر عالم هستی و تحقق خواسته ها، از دو مسیر اصلی قابل بررسی است. نخست، تأثیرگذاری دعا از طریق مکانیزم های طبیعی و با استخدام علل طبیعی موجود در جهان به ویژه در وجود انسان. در این حالت، دعا به مثابه عاملی محرک و یا هدایت کننده، با فعال سازی و سامان دهی علل و عوامل طبیعی، زمینه تحقق خواسته ها را فراهم می آورد. مطالعه این نوع از تأثیر دعا، با بهره گیری از روش های علمی، مطالعات تجربی و تحلیل های طبیعی قابل بررسی و تبیین است. دوم، تأثیرگذاری دعا از طریق غیبی و با دخالت عوامل فراطبیعی و متافیزیکی. در این نوع تأثیرگذاری، دعا به مثابه رابطی میان انسان و عالم غیب عمل می کند و با واسطه عوامل فراطبیعی، موجبات تحقق خواسته ها را فراهم می سازد. درک و تفسیر این گونه تأثیر دعا مستلزم بهره گیری از تحلیل های متافیزیکی، مطالعات دینی عمیق و بررسی های فلسفی دقیق در باب عالم غیب و ارتباط آن با عالم طبیعت می باشد. لذا، پژوهش حاضر با اتخاذ روشی ترکیبی و تلفیقی از روش های علمی و متافیزیکی، به تبیین ابعاد مختلف تأثیر دعا بر تحقق خواسته ها خواهد پرداخت.

۱-۳. تحلیل علمی تأثیر دعا بر تحقق خواسته ها

دعا، به عنوان عملی مثبت و نیکو در ادیان و فرهنگ های مختلف، همواره با امید به برآورده شدن حاجات همراه بوده است. در این جا به تحلیل علمی از تأثیر دعا بر تحقق خواسته ها پرداخته می شود. دعا به موجب تأثیرات روان شناختی و اجتماعی بر فرد دعا کننده و دیگران موجب تحقق برخی خواسته ها می شود که در ادامه به پیوند میان دعا و تحقق خواسته ها را از منظر علل و مکانیزم های طبیعی اشاره می شود.

۱-۱-۳. دعا نیروی محرک

دعا نقشی مهم و اساسی در تقویت اراده و حرکت به سوی اهداف دارد. بیان خواسته ها به صورت صریح و در قالب دعا، نوعی مواجهه عمیق تر و ملموس تر با چالش ها و اهداف فرد ایجاد می کند. فرایند بیان کلامی خواسته ها،^۱ به فرد اجازه می دهد تا آن ها را به طور ساخت یافته و شفاف بررسی کند. این امر، مشابه تکنیک هایی در روان درمانی مانند درمان شناختی-رفتاری^۲ است که در آن، بیماران تشویق می شوند

1. verbalization.

2. CBT.

تا افکار و احساسات خود را به زبان بیاورند تا به درک بهتر و مدیریت آن‌ها برسند (ن.ک: مک‌کی،^۱ ۲۰۱۸: به نقل از: جلیلی، ۱۴۰۳: ۲۹۵). به عنوان مثال، فردی که برای بهبود روابط خانوادگی خود دعا می‌کند، در این فرایند به نقاط ضعف ارتباطی خود و نقش خود در بروز مشکلات پی خواهد برد و به موجب وجود انگیزه، فرد به انجام اقدامات مؤثر برای رفع مشکلات می‌پردازد و در نهایت به تحقق خواسته‌اش منجر می‌شود.

۳-۱-۲. دعا عامل تقویت روحیه و ایجاد انگیزه و پشتکار

دعا اغلب با احساسات عمیق معنوی و ایمانی همراه است که می‌تواند به عنوان منبعی قوی برای تقویت روحیه و ایجاد انگیزه و پشتکار عمل کند. مطالعات روان‌شناسی نشان داده‌اند که ایمان و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی، می‌تواند به افزایش سطح امید، مقاومت در برابر استرس، و بهبود سلامت روان منجر شود. برای مثال، کارهای ویلیام جیمز^۲ و مطالعات بعدی در زمینه روان‌شناسی دین، به نقش ایمان در افزایش قدرت اراده و مقاومت در برابر مشکلات اشاره دارند (ن.ک: آذربایجانی، ۱۳۷۷: ۵۴). در نهایت، تعیین اهداف و بیان آن‌ها در قالب دعا، باعث تدوین نقشه راهی برای رسیدن به آن‌ها می‌شود و فرد را به سمت اقدام و حل مشکل هدایت می‌کند. در نتیجه، دعا می‌تواند به عنوان یک عامل محرک و افزایش‌دهنده اراده در راه رسیدن به اهداف و غالب آمدن بر چالش‌ها در نظر گرفته شود.

دعا با تقویت روحیه و ایجاد انگیزه در بیماران نیز موجب شفا و بهبودی آنان می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد روحیه و امید، نقش مهمی در تقویت سیستم ایمنی و بهبودی بیماری‌ها دارند. با استرس و ناامیدی ترشح هورمون‌هایی مانند کورتیزول^۳ به طور قابل توجهی افزایش یافته و فعالیت سلول‌های ایمنی را سرکوب کرده و بدن را در مقابل عفونت‌ها آسیب‌پذیرتر می‌کند (رحمانی، ۱۳۹۳: ۵۱ و ۶۱). دعا، به عنوان ابزاری برای ایجاد امید و تقویت احساس ارتباط با منبعی برتر، می‌تواند تأثیر مشابه پلاسیبو^۴ (دارونما) داشته باشد و حتی فراتر از آن، سیستم ایمنی را تقویت کند.

1. McKay. D.
2. William James.
3. Cortisol.
4. Placebo.

۵. اگرچه دارونما از نظر فیزیکی فاقد هرگونه ماده مؤثر دارویی است؛ اما اعتقاد بیمار به تأثیر آن، از طریق فعال‌سازی سیستم‌های عصبی و هورمونی مرتبط با بهبودی، می‌تواند منجر به پاسخ‌های فیزیولوژیکی مثبت و تسریع در فرآیند بهبود شود (Benedetti. 2005: 10390).



۳-۱-۳. دعا عامل آرامش و سکون

دعا اثرات آرامش‌بخش قابل‌توجهی بر روان و جسم انسان دارد. احساس آرامش و سکون ناشی از دعا را می‌توان با تجربه ارتباط عمیق و صمیمانه با یک دوست یا خانواده تشبیه کرد؛ فرد در این حالت، بار مشکلات خود را بر دوش قدرتی برتر می‌نهد و از این طریق، نوعی تسکین روانی تجربه می‌کند. دعا با کاهش قابل‌ملاحظه ضربان قلب، فشار خون و میزان تنفس، و کند شدن فعالیت امواج مغزی، تغییرات فیزیولوژیکی مطلوبی ایجاد می‌نماید که منجر به آرامش جسمانی و روانی می‌شود. فعال‌سازی نواحی مغزی مرتبط با احساس آرامش، رضایت و خوشحالی، به همراه مهار فعالیت آمیگدالا^۱ (مرکز ترس و اضطراب در مغز)، از مکانیزم‌های عصبی مؤثر در این فرایند هستند. علاوه بر این، کاهش ترشح هورمون‌های استرس‌زا مانند کورتیزول،^۲ اپی‌نفرین^۳ و نوراپی‌نفرین،^۴ و افزایش ترشح اندورفین^۵ (هورمون شادی) منجر به تقویت سیستم ایمنی و در نهایت، افزایش احساس آرامش در فرد می‌شود. بنابراین، اثرات آرامش‌بخش دعا، بر پایه ترکیبی از عوامل روانشناختی و فیزیولوژیکی قابل تبیین است. در حالت آرامش، فعالیت سیستم عصبی سمپاتیک کاهش یافته و عملکرد سیستم پاراسمپاتیک غلبه می‌یابد. این امر منجر به کاهش هیجانات و فعال شدن قشر پیش‌پیشانی مغز می‌شود، که مسئول تفکر منطقی و برنامه‌ریزی است. در نتیجه، تصمیم‌گیری عقلانی‌تر، کارآمدتر و احتمال دستیابی به اهداف (تحقق خواسته‌ها) افزایش می‌یابد (رفیعی، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۸؛ رحمانی، ۱۳۹۳: ۵۱ و ۶۱).

۳-۱-۴. دعا عامل ایجاد عواطف مثبت

دعا نقش موثری در مکانیسم‌های عصبی-عاطفی دارد و منجر به بروز طیف وسیعی از هیجانات مثبت می‌شود. هیجاناتی از جنس احساسات خوشایند و شیرین که شامل امیدواری، خوشحالی، سرور، عشق و علاقه، اعتماد به نفس و دلگرمی می‌باشند. این احساسات مثبت، از دیدگاه روان‌شناسی، به عنوان عواطف مثبت^۶ طبقه‌بندی می‌شوند که با کاهش سطح اضطراب، افسردگی و سایر هیجانات منفی مرتبط هستند (رحمانی، ۱۳۹۳: ۵۱ و ۶۱).

1. Amygdala.
2. Cortisol.
3. Epinephrine.
4. Norepinephrine.
5. Endorphin.
6. positive affect.

نقش سیستم هیپوتالاموس-هیپوفیز^۱ در این فرایند، به عنوان یک شبکه عصبی مرکزی تنظیم کننده پاسخ‌های استرس و هیجانی، حائز اهمیت است. این سیستم، از طریق ترشح هورمون‌ها و نوروترانسمیترها^۲ مانند اندورفین‌ها،^۳ سروتونین^۴ و دوپامین،^۵ به هم‌پیوندی بین افکار و احساسات ایجاد می‌کند. این مولکول‌های پیام‌رسان شیمیایی، به مایع مغزی-نخاعی و در نهایت به جریان خون آزاد می‌شوند و در نتیجه، تغییرات فیزیولوژیکی گسترده‌ای را به دنبال دارند؛ تغییراتی که با کاهش فشار خون، تنظیم ضربان قلب، تقویت سیستم ایمنی و به طور کلی، ارتقای بهزیستی جسمانی و روانی همراه هستند (رفیعی، ۱۳۹۰: ۶۸).

دعا با القای احساسات مثبت، نقشی محوری در برآورده شدن نیازها، به ویژه در حوزه سلامت و تندرستی ایفا می‌کند. تأثیرگذاری دعا بر این اساس، نه صرفاً به عنوان یک درخواست مستقیم، بلکه به واسطه تأثیرگذاری بر حالات روحی و روانی فرد و در نتیجه، بر سیستم ایمنی و توانایی بدن در مقابله با بیماری‌ها، قابل توجیه است.

۳-۱-۵. امنیت روانی از طریق دعا

دعا و نیایش در این زمینه، می‌تواند به عنوان نوعی مکانیسم کاتاریک^۶ تلقی شود. فرایندی که طی آن، فرد به بیان احساسات سرکوب‌شده‌ی خود، از جمله غم و ناراحتی، می‌پردازد. بیان این احساسات به صورت شفاهی، حتی در قالب گفتگو با نیرویی فراطبیعی مانند خداوند، می‌تواند منجر به تخلیه هیجانی^۷ و کاهش شدت اضطراب و ناراحتی شود. این فرایند با کاهش بار شناختی^۸ مرتبط با حفظ و سرکوب احساسات منفی، به فرد کمک می‌کند تا از حالت هومئوستاز^۹ روانی خود فاصله گرفته و به سمت تعادل روانی حرکت کند (خلیلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۶).

علاوه بر این، عمل دعا می‌تواند به عنوان یک شکل از حمایت اجتماعی^{۱۰} در نظر گرفته شود، حتی اگر این حمایت از سوی نیرویی ناملموس دریافت شود. احساس ارتباط با موجودی قدرتمند و همدل،

1. Hypothalamic-pituitary axis.
2. Neurotransmitters.
3. Endorphins.
4. Serotonin.
5. Dopamine.
6. Catharsis.
7. Emotional Discharge.
8. Cognitive Load.
9. Homeostasis.
10. Social Support.



احساس تنهایی و انزوا را کاهش می‌دهد و حس تعلق و امنیت روانی^۱ را تقویت می‌نماید. در واقع، فرد با بیان دردها و رنج‌های خود، نوعی رابطه همدلانه را با نیرویی برتر برقرار می‌کند که به او اطمینان می‌دهد. رازهایش محفوظ خواهد ماند؛ این امر به کاهش ترس از قضاوت و افزایش اعتماد به نفس منجر می‌شود. بنابراین، اثر آرامش‌بخش دعا را می‌توان نتیجه‌ی تعامل پیچیده عوامل روان‌شناختی مختلفی دانست که به کاهش فشار روانی، بهبود تنظیم هیجانی و ارتقاء سلامت روان فرد منجر می‌شوند. چنان‌که گذشت، آرامش منجر به تفکر منطقی‌تر، تصمیم‌گیری کارآمدتر و افزایش احتمال دستیابی به اهداف می‌شود (ن.ک: دیل کارنگی، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

۲-۳. تحلیل متافیزیکی تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها

با بررسی و تحلیل ارتباط میان دعا و تحقق خواسته‌ها و با استناد به مبانی هستی‌شناختی، می‌توان دریافت که این پیوند صرفاً در قلمرو علّیت طبیعی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد متافیزیکی و فراطبیعی نیز در آن نقش‌آفرینی می‌کنند. تحلیل عمیق مسئله نشان می‌دهد که عواملی چون «ارتقاء وجودی نفس با دعا»، «تأثیر صورت باطنی دعا»، و «اراده و پاداش الهی» به‌عنوان سه عنصر فراطبیعی، در تحقق خواسته‌ها پس از دعا، نقش محوری ایفا می‌کنند. این سه عامل، با واسطه‌گری دعا، مسیر اجابت را هموار می‌سازند و برکات الهی را برای سالک معنوی به ارمغان می‌آورند. در ادامه به تبیین هر یک از این عوامل خواهیم پرداخت.

۱-۲-۳. ارتقاء وجودی نفس با دعا

دعا واژه‌ای عربی و از ریشه «دع و» است که به معنای فراخوانی و طلب یاری ذکر شده است (راغب، ۱۴۱۲: ۱/۳۱۵). در اصطلاح دینی، دعا به‌عنوان ابراز ارتباط با خداوند، جلوه‌ای از عجز انسان و نیازمندی او به نیروی نامحدود الهی به شمار می‌آید. در ظاهر، دعا به معنای بلند کردن دست‌ها به سوی آسمان و تقاضای کمک از خداوند است؛ اما در باطن، این عمل تجلی عمیق‌تری دارد و انسان با تمام وجود خود به سمت حقیقت مطلق می‌گراید و تلاش می‌کند تا با پروردگار خویش ارتباطی عمیق برقرار کند. براین‌اساس، دعا نشان‌دهنده شناخت انسان از فقر ذاتی خود و غنای الهی است و در این مقام، انسان به درگاه ربوبی می‌نگرد و در جستجوی ارتباط روحانی قرار می‌گیرد، تا از آن منبع کمال، مدد بخواهد و حضور پروردگار را در زندگی خویش احساس کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۱۴/۲۴۷).

1. Psychological Security.

بنیاد و محور اصلی عبادت‌ها، وجود قصد قربت در اعمال است (مشکینی، ۱۳۷۷: ۲۰). در پرتو ماهیت دعا، می‌توان به این نتیجه دست یافت که جوهر آن به نزدیکی و قرب دعاکننده و خداوند باز می‌گردد. از این رو، قرآن کریم دعا را به‌عنوان یکی از مصادیق عبادت معرفی می‌نماید: (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ)، (غافر / ۶۰) به همین ترتیب، امام صادق (ع) نیز بر اهمیت دعا تأکید می‌ورزد و آن را به صراحت عبادت می‌خواند: «فَإِنَّ الدَّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۴۶۷). این عبارات نشان‌دهنده آن است که دعا نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط با خالق است، بلکه خود جوهر و ذات عبادت به شمار می‌آید.

در تحلیل ساختار عالم هستی، گذشت که این عالم متشکل از سه مقام متفاوت به نام‌های جبروت، ملکوت و ملک (ناسوت) است که هر یک از این مقامات، به‌نحوی با دیگر مقامات در ارتباطی علی و تشکیکی قرار دارند. از این منظر، عالم جبروت به‌عنوان بستر وجودی و علت مابشری عالم ملکوت عمل می‌کند، درحالی‌که عالم ملکوت به نوبه خود موجب پدیدآمدن عالم ناسوت می‌شود. این سلسله‌مراتب، نشان‌دهنده وجود یک نظام علی پیچیده است که در آن هر موجود با توجه به مرتبه وجودی‌اش می‌تواند بر موجودات دیگر تأثیرگذار باشد (طباطبایی، ۲۰۰۱: ۳۷۹-۳۸۰).

در چنین نظامی، نفس انسانی به‌عنوان یکی از موجودات این عالم و از مصادیق عالم ملکوت، با عمل به افعال نیک می‌تواند ارتقا یابد و در مراتب بالاتر عالم ملکوت قرار گیرد و حتی وارد عالم جبروت شود و بدین سبب قوه تأثیرگذاری‌اش در عالم تکوین بیشتر خواهد شد (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۰۴). از طرف دیگر، افعال ناپسند و کردارهای نادرست، توانایی وجودی نفس را محدود می‌کنند و بدین ترتیب، انسان را از بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در عالم تکوین محروم می‌سازند. در این نظام هستی، معیار سنجش مقامات مخلوقات و به‌ویژه انسان، به میزان نزدیکی یا دوری آنان از حقیقت مطلق، یعنی پروردگار تعیین می‌گردد. اعمال نیک و به‌ویژه عبادات، زمینه‌ساز ارتقاء مقام انسان و دستیابی به سطوح والای وجودی هستند. از این رو، هر دستاورد معنوی، به انسان فرصتی می‌دهد تا به سرچشمه حقیقت نزدیک‌تر گردد و در این مسیر به غنای معنوی برسد و روح خود را تعالی بخشد و همچنین با قرارگیری در درجات بالای عالم هستی، می‌تواند زمینه‌ساز اثرگذاری عمیق‌تری بر موجودات جهان گردد و از این طریق به تحقق خواسته‌ها و نیازهای خویش و دیگران یاری رساند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۱ / ۳۰۴).

دعا به‌عنوان یکی از عبادات در فرهنگ اسلامی، نقشی حیاتی در ارتباط انسان با خداوند متعال ایفا می‌کند. این عبادت، تجلی صادقانه و عمیق احساس فقر و نیاز انسان به غنای بی‌پایان پروردگار است.



ازاین‌رو، دعا به‌عنوان ابزاری برای نزدیکی به ذات الهی و صعود به درجات بالای معنوی مورد توجه قرار می‌گیرد. چنان‌که امام صادق (ع) بیان می‌دارد که هیچ عملی به اندازه دعا نمی‌تواند انسان را به درگاه الهی نزدیک سازد: «عَلَيْكُمْ بِاللُّدْعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرُبُونَ بِمِثْلِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۴۶۷). همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»، (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۹) که این امر، بر اهمیت دعا به‌عنوان مغز و روح عبادت تأکید دارد.

نفس انسان به‌عنوان یک موجود مجرد و فراطبیعی، با برخورداری از قابلیت‌های روحانی و ذاتی خویش، در مسیر تکامل خود می‌تواند به قرب الهی نائل شود و از این طریق سیر صعودی را تجربه کند. دعا از مهم‌ترین و مؤثرترین وسایل دستیابی به این کمال و نزدیکی به خداوند محسوب می‌گردند. به هر اندازه که انسان در دعای خود جدیت و خلوص نیت را به کار گیرد، به همان نسبت در درجات وجودی‌اش ترقی می‌کند و این ارتقاء به وی این امکان را می‌دهد که در عالم تکوین تصرفاتی انجام دهد. به عبارت دیگر، نفس انسان با دستیابی به این درجات عالی وجودی، توانایی جذب نعمت‌ها و دفع بلاها را پیدا می‌کند. البته این تأثیرگذاری در عالم ماده و موجودات دیگر تنها با اذن تکوینی خداوند و در طول اراده آن حضرت و نه به صورت استقلالی مقدور است (طباطبایی، ۲۰۰۱: ۳۸۰؛ جوادی‌آملی، ۲۰۰۴: ۸۴). در نهایت، باید اذعان کرد که دعا به معنای واقعی خود فراتر از صرف الفاظی است که بر زبان جاری می‌شود، بلکه حقیقت دعا در توجه عمیق و خالصانه نفس به خالق بی‌همتا نهفته است. به همین دلیل، بسیاری از دعاها که فاقد توجه واقعی به خدا هستند، تنها به‌عنوان دعای ظاهری شناخته می‌شوند و نمی‌توانند انسان را به دعا‌های حقیقی و مؤثر نزدیک نمایند. بنابراین، تحقق خواسته‌ها و ضروریات واقعی زندگی، تنها از طریق دعا‌هایی که احساس و توجه واقعی به خداوند در آن‌ها جلوه‌گر است، امکان‌پذیر خواهد بود (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۹ / ۴۱۰).

۳-۲-۲. تأثیر صورت باطنی دعا

بر اساس مبانی هستی‌شناختی، دعا صرفاً یک عمل مادی و ظاهری شامل حرکات جسمانی و لفظی- نیست و در کنار ساخت مادی، دارای صورت باطنی نیز هست که فراتر از ادراک حسی و عقل صرف قرار دارد و موجودیتی غیرمادی و تأثیرگذار در عالم هستی به شمار می‌رود. درک کامل و جامع از این صورت باطنی برای انسان میسر نیست و کشف آن نیازمند روش نقلی است که با مراجعه به آیات و روایات و با اتکا به علوم لدنی اهل بیت (ع)، می‌توان به درک نسبی از آن دست یافت. بر اساس متون

دینی، برخی از دعاها دارای صورتی باطنی به شکل موجودی نورانی هستند که در عالم تاثیرگذارند (نوری، ۱۹۸۷: ۳۳۲/۵).

با توجه به مبانی عقلی و متون دینی، هنگامی که فردی دعایی را با توجه و حضور قلب انجام می‌دهد، این عمل موجب پیدایش صورت باطنی در عالم ملکوت و یا ظرف نفس مجرد انسان می‌شود. این صورت باطنی، موجودی است که از قواعد و نظامات عالم هستی تبعیت می‌کند و بر عالم ناسوت و موجودات مادی احاطه دارد. لذا می‌تواند به‌عنوان عامل و سبب در تحقق خواسته‌ها در عالم مادی اثرگذار باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۱۹۱؛ ترخان، ۱۳۹۹: ۴۲-۴۳).

این صورت باطنی، همانند موجی است که از حوزه غیرمادی به سوی عالم مادی حرکت می‌کند و با برقراری ارتباط با عوامل و قوانین حاکم بر آن، موجب تغییر و تحول در جهت تحقق خواسته مذکور می‌شود. بنابراین، دعای صادره از جانب انسان، به‌منزله عامل و علت پیدایش و ظهور این صورت باطنی تلقی می‌شود و این صورت باطنی به‌عنوان علت و مؤثر در تحقق خواسته‌های متقاضی عمل می‌نماید. لذا، ارتباط میان صورت باطنی و تحقق خواسته‌ها، ارتباطی تکوینی و علی است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۱۸۶-۱۸۷).

توضیح آن‌که، قانون علیت، به‌عنوان یکی از سنن ثابت و جاویدان عالم هستی، بیانگر این حقیقت بنیادین است که هیچ پدیده و موجودی بدون علت و مسبب پدیدار نمی‌گردد. این علل و اسباب، به دو دسته کلی طبیعی و فراطبیعی تقسیم‌بندی می‌شوند که دسته اول، علل قابل درک و تحلیل با ابزارهای علمی و تجربی‌اند و دسته دوم، یعنی علل فراطبیعی، از محدوده ادراک و فهم بشری خارج است و دسترسی به آن‌ها، صرفاً از طریق منابع و ادله نقلی و متون دینی میسر می‌گردد (ن.ک: صدرالمآلهین، ۱۳۶۳: ۳۳۳).

لازم به ذکر است که عدم کشف رابطه علیت توسط انسان، به‌هیچ وجه دلیلی بر فقدان یا عدم وجود آن رابطه نمی‌باشد. به‌عنوان مثال، نیروی جاذبه زمین، علت اصلی سقوط اجسام است؛ اما پیش از نیوتن و کشف قانون گرانش، انسان به این علت آگاهی نداشت و این جهل بشری، به‌هیچ وجه به معنای فقدان جاذبه نبوده است. بنابراین، می‌توان به وجود علل فراوانی در عالم هستی اذعان نمود که انسان تا کنون به کشف و شناخت آن‌ها نائل نیامده است. با عنایت به این مبنا و با استناد به ادله نقلی و متون مقدس دینی، عبادات و اعمال مذهبی، تأثیرات و آثار متعددی در عالم تکوین داشته است و این تأثیرات، نشان از وجود رابطه علیت باطنی میان این اعمال و آثار است.



با توجه به ارتباط علی و تکوینی میان دعا و ایجاد صورت باطنی، هر دعا لزوماً منجر به تجلی صورت باطنی و به تبع تحقق خواسته‌ها نمی‌شود، بلکه دعایی منجر به پدید آمدن صورت باطنی جهت تحقق خواسته‌ها می‌گردد که در آن، دعاکننده با توجه حقیقی و خالصانه به خداوند متعال، توجه نموده و او را مخاطب قرار داده باشد. در مقابل، صرف ادا نمودن الفاظ و انجام ظاهر دعا، بدون توجه و حضور قلب به ذات اقدس الهی، حقیقتاً دعا نبوده و به موجب فقدان علت، معلول که صورت باطنی باشد، نیز محقق نشده و در نتیجه خواسته از این طریق متافیزیکی محقق نخواهد شد (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۹/ ۴۱۰).

همچنین باید توجه داشت که تأثیر صورت باطنی در نیل به مقاصد، در چارچوب نظام علی و در پرتو قدرت و اراده الهی قابل بررسی است. مشابه تلاش و کوشش که از علل مؤثر در تحقق خواسته‌هاست و با توحید افعالی منافاتی ندارد، دعا و ایجاد صورت باطنی نیز به‌عنوان علتی دیگر مطرح است که ماهیت متافیزیکی آن نیز با اصل توحید افعالی تعارضی ندارد. در واقع، تأثیر صورت باطنی منوط به اذن و مشیت الهی است و خداوند متعال صورت باطنی دعا را با قابلیت تحقق خواسته‌ها آفریده است. به عبارت دیگر، صورت باطنی به‌عنوان یکی از علل در کنار سایر علل مادی، با اذن و اراده الهی در مسیر تحقق خواسته‌ها مؤثر واقع می‌گردد.

۳-۲-۳. اراده و پاداش الهی

اعمال نیکو، موجبات خرسندی و شادمانی خدا را فراهم می‌آورند، درحالی که کردار ناشایست، خشم و غضب الهی را متوجه انسان می‌سازند. اگرچه سرای آخرت، منزلگاه اصلی پاداش و کیفر اعمال انسان‌هاست و در آن‌جا به‌نحو تمام و کمال، نتایج کردار نیک و بد آشکار می‌شود؛ بااین‌حال، پروردگار متعال به اقتضای مصالح گوناگون، گوشه‌ای از ثواب و عقاب افعال را در این دنیای فانی روانه بندگان خود می‌کند تا موجب تنبه و هدایت آنان شود. ازاین‌رو، فردی که با اعمال نیک و شایسته، رضایت خداوند را جلب نماید، مشمول لطف و عنایت بی‌پایان او قرار می‌گیرد و از طرق گوناگون، پاداش‌های خود را دریافت می‌دارد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۶۲).

در تحلیل ثواب و پاداش اعمال، می‌توان دو نوع ثواب را از یکدیگر متمایز ساخت: ثواب تکوینی و ثواب قراردادی. ثواب تکوینی، همان اثر ذاتی و صورت باطنی فعل نیک است که پس از انجام عمل صالح ایجاد و منشأ آثار مطلوب در زندگی دنیوی و اخروی می‌شود (صدرالمألهین، ۱۹۸۱: ۹/ ۳۱). این نوع ثواب، به تبع خود عمل صالح و بدون نیاز به وضع یا قرارداد خاصی، به فاعل تعلق می‌گیرد و به‌منزله نتیجه طبیعی و تکوینی عمل نیک است. علاوه‌براین ثواب تکوینی، ثواب قراردادی نیز به افعالی

که از حسن فاعلی برخوردار هستند، تعلق می‌گیرد. به این معنا که خداوند متعال برای کسانی که با نیت خالص و برای جلب رضایت او، به انجام اعمال نیک می‌پردازند، پاداشی افزون بر پاداش تکوینی در نظر می‌گیرد. این پاداش، نوعی تکریم از جانب خداوند است که به سبب افعال نیک و توأم با تعظیم و تجلیل، به انسان عطا می‌گردد (حلی، ۲۰۰۳: ۴۰۹).

براین اساس، فرد نیکوکاری که با قصد اطاعت از امر الهی، به انجام عملی نیک مبادرت می‌ورزد، مستحق دو نوع پاداش خواهد بود. اول، پاداش اطاعت از فرمان خدا و خشنودی پروردگار است که به‌عنوان پاداشی قراردادی برای بندگان نیکوکار در نظر گرفته شده است. دوم، نتیجه طبیعی و تکوینی عمل نیکوکار است که در ظرف نفس و روح او متجلی می‌شود و موجب کمال و تعالی او می‌گردد. این دو نوع ثواب، به‌صورت مکمل یکدیگر، پاداش‌های ناشی از اعمال نیک را تشکیل می‌دهند و موجب رشد و سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌شوند (اصفهانی، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۷۷۱؛ صدر، ۱۴۱۷ق: ۲۱؛ قدردان قراملکی، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۴).

دعا، به‌عنوان یک عمل نیکو، از جمله رفتارهایی است که موجبات خشنودی خداوند را فراهم می‌آورد. هنگامی که فردی با قلبی آکنده از ایمان و با نیت خالص رو به درگاه الهی می‌آورد و از او حاجت می‌طلبد و از غیر او دل می‌کند، رضایت و خشنودی خداوند را جلب می‌نماید. چنین فردی علاوه بر ثواب تکوینی - ایجاد صورت باطنی دعا - از پاداش قراردادی نیز بهره‌مند می‌گردد. این پاداش که بخشی از آن در دنیا از جانب خداوند متعال به او عطا می‌شود، به اشکال گوناگونی از جمله اجابت دعاها و برآورده شدن حاجات، تجلی می‌یابد. علاوه بر این، خداوند متعال اجابت نیایش و دعای بندگان را نه لزوماً در قالب تحقق عینی خواسته‌های مطروحه، بلکه به اشکال دیگری همچون مغفرت و آمرزش معاصی، دفع و رفع مصائب و بلاها، و یا عنایات متنوع دیگر، به فرد دعاکننده ارزانی دارد (علی بن موسی (ع)، ۱۴۰۶ق: ۳۴۷؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۵۰۷).

براین اساس، اراده الهی برای پاداش دادن به اشسان دعاکننده، عامل دیگری در برآورده شدن خواسته‌هاست. البته طبق قاعده‌الواحد که پیشتر مورد بررسی قرار گرفت، این پاداش‌ها نه به‌صورت مستقیم و بی‌واسطه، بلکه از طریق اذن خداوند و با واسطه‌گری مخلوقات او به ظهور می‌رسند. به عبارت دیگر، پس از آن‌که اراده ازلی خداوند بر استجاب دعا و برآورده شدن خواسته دعاکننده تعلق گرفت، سلسله‌مراتبی از وسائط گوناگون، که جملگی مخلوقات الهی هستند، برای به فعلیت رساندن این اراده متعالی بسیج شده و در نهایت، اراده‌ی خداوند، از طریق این سازوکار پیچیده و نظام‌مند، عینیت می‌یابد.



مطابق این بیان، آشکار می‌گردد که علل متافیزیکی، عوامل بنیادین در تحقق خواسته‌ها در پی دعا به شمار می‌روند و علل فیزیکی و مادی، در واقع، ابزارها و واسطه‌هایی برای عینیت بخشیدن به اراده علل غیبی محسوب می‌شوند. به این ترتیب، پس از دعا، اصل اساسی در تحقق خواسته‌ها، مشیت و اراده الهی است که خداوند متعال، با اذن تکوینی، به صورت باطنی و نفس انسانی در عوالم مجردات و نیز موجودات مادی در عالم ماده، موجبات تحقق خواسته‌ها و استعجاب دعا را فراهم می‌آورد.

۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به تحلیل علمی و متافیزیکی تأثیر دعا بر تحقق خواسته‌ها با نگاهی به مبانی هستی‌شناختی پرداخته شده است. بررسی عمیق ماهیت دعا نشان می‌دهد که تأثیر آن بر عالم هستی و تحقق آرزوها از دو حوزه اصلی قابل تفسیر است.

نخست، تأثیرگذاری دعا به وسیله مکانیزم‌های طبیعی و استفاده از علل طبیعی موجود در جهان، به‌ویژه در وجود انسان، قابل بررسی است. در این رویکرد، دعا به‌عنوان عاملی محرک و راهنما عمل می‌کند و با فعال‌سازی و تنظیم عوامل طبیعی، بستر تحقق خواسته‌ها را فراهم می‌آورد. پژوهش در این زمینه با بهره‌گیری از روش‌های علمی، شامل مطالعات تجربی و تحلیل‌های طبیعی، امکان‌پذیر است. از منظر علمی، تأثیرات روان‌شناختی دعا ثابت می‌کند که این عمل می‌تواند موجب بروز عواطف مثبت، ایجاد آرامش و احساس امنیت روانی در فرد گردد و درعین‌حال به‌عنوان عاملی انگیزشی در مسیر دستیابی به خواسته‌ها عمل نماید.

دومین مسیر تأثیر دعا، به تأثیرات غیبی و دخالت عوامل فراطبیعی و متافیزیکی مربوط می‌شود. در این الگو، دعا به‌عنوان پلی میان انسان و عالم غیب تلقی می‌شود و با واسطه عوامل فراطبیعی، زمینه تحقق خواسته‌ها را مهیا می‌سازد. درک و تفسیر این نوع تأثیر دعا نیازمند استفاده از تحلیل‌های متافیزیکی، پژوهش‌های دینی عمیق و بررسی‌های فلسفی دقیق در خصوص ارتباط عالم غیب با عالم طبیعت است. عوامل متافیزیکی، نظیر ارتقاء وجودی نفس، صورت باطنی دعا و اراده الهی، در این فرآیند نقشی کلیدی ایفا می‌کنند.

البته مسیر علل متافیزیکی و فیزیکی در تحقق خواسته‌ها در طول یکدیگر قرار دارد و مجزای از یکدیگر نیستند. علل متافیزیکی به‌عنوان عوامل اصلی و علل فیزیکی به‌عنوان واسطه‌ها عمل می‌کنند. پس

از دعا، اراده الهی به عنوان اصل بنیادین شناخته می شود و خداوند با اجازه تکوینی، زمینه ساز تحقق این خواسته ها از طریق علل متافیزیکی و عوامل فیزیکی می گردد.

براین اساس، با توجه به تحلیل های علمی و متافیزیکی ارائه شده، مشخص می شود که دعا در تحقق خواسته ها تأثیرگذار است و خداوند نیز بر استجاب دعا تأکید می کند. ازاین رو، پرسش ها و شبهات مطرح شده در خصوص تأثیر دعا بر تحقق خواسته ها ناشی از عدم توجه به علل و عوامل متافیزیکی و همچنین عدم دقت در درک علل و عوامل مادی و طبیعی است.

در پایان، باید اذعان داشت که هرچند میان دعا و برآورده شدن تمایلات انسانی ارتباطی ذاتی و علی وجود دارد، این امر تنها یکی از جنبه های رفتار انسانی را در بر می گیرد. رفتارهای انسان دامنه وسیعی دارند و هر یک بر اساس قوانین حاکم بر جهان، پیامدهای خاص خود را رقم می زنند. ممکن است فردی از طریق دعا به خواسته ای برسد، درحالی که با انجام عملی دیگر، خود را از آن هدف دور کند. نوشتار حاضر بر تأثیر دعا در دستیابی به خواسته ها تمرکز دارد و به شکل تک بعدی به این موضوع پرداخته است و نشان داده است که این تأثیر وجود دارد. باین حال، ارزیابی رفتارهای انسانی موضوعی پیچیده است که نمی توان آن را به یک عامل خاص محدود کرد. به بیان دیگر، ارزیابی جامع اعمال انسان ها موضوعی الهی است که به واسطه محدودیت های دانش بشری در خصوص آثار کنش ها، تنها در پیشگاه خداوند متعال ممکن خواهد بود.



فهرست منابع

*قرآن کریم

- ابن سینا، حسین بن عبد الله. (۱۳۷۹). النجاة من الفرق في بحر الضلالات. مقدمه و تصحيح: محمد تقی دانش پژوه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله. (۱۹۹۷). الشفاء. مصحح: حسن حسن زاده آملی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله. (۱۳۸۴). الإشارات و التنبيهات. تحقيق: کریم فیضی. قم: مطبوعات دینی.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). عدة الداعي و نجاح الساعي. تصحيح: احمد موحدي قمی. قم: دارالکتب الاسلامی.
- اشعري، ابوالحسن. (۱۹۷۹). مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین. آلمان: فرانس شتاينر.
- اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۲۹ق). نهاية الدراية في شرح الكفاية. بيروت: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۷۷). روان شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. تحقيق: جلال الدین محدث. قم: دار الکتب الإسلامية.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۷۸). تسنیم. تحقيق و تنظيم: علی اسلامی. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۳). سرچشمه اندیشه. تحقيق و تنظيم: عباس رحیمیان محقق. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۶). تفسیر موضوعی قرآن کریم (توحید در قرآن). تنظيم: حیدر علی ایوبی. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۶ب). اسلام و محیط زیست. تحقيق و تنظيم: عباس رحیمیان. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۸۹). تفسیر موضوعی قرآن کریم (صورت و سیرت انسان در قرآن). تنظيم: محمد محرابی. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبد الله. (۲۰۰۴). حماسه و عرفان. تحقيق و تنظيم: محمد صفایی. قم: مرکز نشر اسراء.
- حلی، حسن بن یوسف. (۲۰۰۳). کشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد. تحقيق و مقدمه: جعفر سبحانی. قم: موسسه امام صادق (ع).
- خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه امام خمینی. تقریر: سید عبدالغنی اردبیلی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دیل کارنگی. (۱۳۸۵). آیین زندگی. مترجم: ریحانه جعفری و پروین قائمی. تهران: انتشارات پیمان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. دمشق: دار القلم - الدار الشامیة.
- سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۹۹۰). الذخيرة في علم الکلام. تحقيق: سید احمد حسینی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدر، محمد باقر. (۱۴۱۷ق). بحوث في علم الأصول. تقریر: محمود هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۹۸۱). اسرار الآيات. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۹۸۱ب). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. بيروت: دار احیاء التراث.

- صدرالمآلهین، محمد. (۱۳۶۰). الشواهد الزبویة فی المناهج السلوکیة. حاشیه: ملاهادی سبزواری. افست تهران: جلال الدین آشتیانی.
- صدرالمآلهین، محمد. (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۲۰۰۱). نهاية الحکمة. قم: نشر اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مکتبه النشر الإسلامی.
- طوسی، محمد بن محمد (خواجہ نصیر الدین). (۱۹۹۶). شرح الإشارات و التنبیها. قم: نشر البلاغة.
- علی بن موسی (ع). (۱۴۰۶ق). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع). مشهد: مؤسسة آل البيت (ع).
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع).
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. مصحح: طیب موسوی جزائری. قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۹۸۲). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- مشکینی، علی. (۱۳۷۷). مصطلحات الفقه. قم: نشر الهادی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الأمالی. تحقیق: حسین استادولی و علی اکبر غفاری. قم: کنگره شیخ مفید.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۹۸۷). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- مقالات
- ترخان، قاسم. (۱۳۹۹). «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلایای طبیعی». قبسات، شماره ۹۶، ۳۵-۶۵.
- جلیلی غلامی، زهرا. (۱۴۰۳). «اثربخشی رفتاردرمانی شناختی (CBT) بر سطح افسردگی و اضطراب زنان مطلقه». مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۷۹، ۲۹۴-۲۷۷.
- خلیلی، فاطمه؛ ایزانلو، طاهره؛ آسایش، حمید. (۱۳۸۹). «ارتباط نگرش و رفتارهای مرتبط با دعا کردن و سلامت روان دانشجویان». نشریه توسعه پژوهش در پرستاری و مامایی، شماره ۱۷، ۵۵-۶۲.
- رحمانی، فرزانه. (۱۳۹۳). «نقش و تأثیر دعا بر سلامت جسمی و روحی انسان در دین اسلام و مسیحیت». پایان نامه کارشناسی ارشد. معصومه صمدی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رفیعی، غلامرضا. (۱۳۹۰). «نقش دعا و نیایش بر سلامت جسمی و روانی». دانشگاه علوم پزشکی قم، شماره ۳، ۶۶-۷۳.
- قدردان قراملکی، علی. (۱۴۰۳). «راهکار کارآمدسازی توصیلات فاقد قصد قربت از رهگذر ترتب ثواب». دین پژوهی و کارآمدی. شماره ۲، ۱۷-۳۵.
- قدردان قراملکی، علی. (۲۰۱۸). «ادله عقلی تجرد نفس از دیدگاه آیت الله جوادی آملی». حکمت اسراء، شماره ۳۲، ۵-۳۷.
- قدردان قراملکی، علی. (۲۰۱۹). «بازخوانی ادله نقلی تجرد نفس از دیدگاه آیت الله جوادی آملی». حکمت اسراء، شماره ۳۴، ۶۹-۹۹.

